

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/01/20



توضیح جمع بین ادله قول دوم و سوم در طهارت محل نماز توضیح تکمیلی درباره تعارض دو دسته از روایات و جمع بین آن دو دسته. گفته شد درباره ازاله نجاست از محل سجود اقوال فقهاء به دو دسته تقسیم شد: 1. مشهور بلکه اجماع این است که فقط ازاله نجاست از موضع سجود واجب است. 2. ازاله نجاست از تمامی مکانی که مصلی برای سجده استفاده می کند، واجب است که گفتیم قولی به ازاله نجاست از مواضع سبع برمی گردد به قول به ازاله نجاست از تمام مکان چون ازاله از مواضع سبع به طور طبیعی تطهیر آن مکان را می طلبد. بعد رسیدیم به نصوص که نصوص هم دو دسته بود و گفتیم اینجا از مواردی است که تعارض شدید بین روایات صورت می گیرد. این دو دسته از روایات به طور کلی در دو باب است: 1. کتاب وسائل الشیعه باب 29 از ابواب نجاسات که این دسته از روایات به طور کل دلالت دارند بر ازاله نجاست از تمام مکان مصلی. 2. کتاب وسائل الشیعه باب 30 از ابواب نجاسات که دلالت دارند به طور عمده بر عدم وجوب ازاله نجاست از تمام مکان. در ادامه جمعی بین دو دسته از روایات را بعضی از فقها اعلام کرده اند که باید به آن جمع کردن توجه کنیم:

وجه اول جمع

سید الحکیم [1] بعد از که دو دسته از روایات را ذکر می کند، می فرماید: «فیتعین حمل علی الکراهه او علی خصوص موضع السجود بقرینه الاجماع». می فرماید: روایات که دو دسته شد، روایات دال بر وجوب ازاله و روایات دال بر عدم وجوب ازاله، ما یکی از دو راه را باید انتخاب کنیم تا جمعی بین این دو دسته از روایات صورت بگیرد: یا بگوییم روایات دال بر ازاله نجاست حمل بر کراهت بشود یعنی اگر مکان صلاه بطور فراگیر بدون موضع سجود متنجس باشد، مکروه است.

وجه دوم جمع

یا اینکه بگوییم روایاتی که دلالت دارند بر ازاله اختصاص دارد به وجوب ازاله از موضع

سجود و رواياتي كه دلالت دارند بر عدم وجوب ازاله، مابقي موضع سجود را پوشش مي دهد يعني آنچه غير موضع سجود هست، ازاله نجاست از آن مواضع واجب است. ايشان براي جمع دوم يك قرينه جمع ذكر مي كند و جمع اول را بدون قرينه جمع اكتفاء مي كند. جمع دومي (حمل بشود وجوب ازاله بر موضع سجود) مي گويد بقرينه اجماع. اجماع داريم كه ازاله نجاست از تامامي مكان مصلي واجب نيست. سيدالاستاد [2] قدس الله نفسه الزكيه درباره جمع بين شرح و بسط قابل توجهي دارد با تعابير متين و جمع بين اين دو دسته از روايات اعلام مي كند كه ما حصل فرمايش سيدالاستاد همان مي شود كه سيد الحكيم فرمود كه يا حمل بر كراهت بكنيم يا حمل بر خصوص موضع سجود. اين كل تحقيقات صاحب نظران و فقهاي كه اين مسئله را تحقيق کرده اند.

تحقيق مطلب جمع مرحوم خويي و سيد حكيم قابل قبول نيست

اما تحقيق اين است كه جمعي كه اينجا گفته شده است وجه و اساسي ندارد. براي اينكه اولاً وجه اول كه حمل بر كراهت بود، قرينه مي خواهد و قرينه هم اگر نبود مي شود جمع تبرعي و بدون پشتوانه. ثانياً حمل بر كراهت يك مشكل فقهي دارد و آن اين است كه اعمالی كه متعلق عبادات است، اگر اتصاف به وصف كراهت پيدا كند، قابليت عبادت را ندارد. چون عبادت ذاتش محبوبيت است و كراهت يك نوع مبغوضيت است و محبوبيت مبغوضيت را قبول نمي كند. فقها توجه کرده اند كراهت در معنای خودش نيست در عبادات و اگر كراهت به معنای خودش باشد، عبادت را از حال عبادي بيرون مي كند چون عبادت يعني مطلوبيت و محبوبيت و كراهت يعني حداقل مبغوضيت. فقها گفته اند منظور از كراهت در عبادات اقل ثوابا است نه كراهت به معنای اصلي كه يك قسم از اقسام خسه تكليفه است كه اين كلام توجه مي خواهد و فرار از اشكال است و دليلي نيست. بنابراين در بحث تحقيقي كسي بگويد كه كراهت به معنای اقل ثوابا هست، اولاً استعمال در غير معنای موضوع له هست و ثانياً دليل نداريم. بنابراين حمل بر كراهت ممكن نيست چون حمل بر كراهت قابل توجه نيست. ثانياً حمل نصوص بر موضع سجود حمل مستهجن است. يك چيزي خلاف ظاهر است و يك چيزي خلاف نص است و يك چيزي حمل براساس يك احتمال ضعيف است و حمل بر محملي كه احتمال ضعيف است، مي گوييم حمل مستهجن. حمل مستهجن در كلام انسان عادي قبيح است و در كلام معصوم محال است. بنابراين جمعي كه گفته شده است به هيچ وجه قابل التزام نيست.

سوال و جواب: هر فعلي كه متعلق عبادت بشود يعني متعلق حكم شرعي، اين عنوان عبادت مطلوبيت و محبوبيت از ذاتيات عبادات است اما اگر ضدش را بياوريد كه مبغوض باشد و كراهت هم مبغوضيت است بنابراين قابل جمع نيست. در تعارض گفتيم كه جمع به نتيجه نرسيد.

بررسي روايات دال بر عدم وجوب ازاله

اما در ورود به دو دسته از روايات (باب 29 از ابواب نجاسات عمدتاً روايات دال بر وجوب ازاله از كل مكان و روايات باب 30 از ابواب نجاسات به طور عمده دال بر عدم وجوب) دسته اول روايات باب 30 ابواب نجاسات حديث كتاب وسائل الشيعه

صحيحه اول علي بن جعفر

روايت اول صحيحه علي بن جعفر درباره بيت و دار كه متنجس شده است «لَا تُصَيِّهُمَا

الشَّمْسُ وَ يُصِيبُهُمَا الْبَوْلُ وَ يُغْتَسِلُ فِيهِمَا مِنَ الْجَنَابَةِ أَوْ يُصَلِّي فِيهِمَا إِذَا جَفَا قَالَ نَعَمْ». که این روایت دلالت می کند بر عدم وجوب ازاله. جواب این روایت را دادیم که این روایت که این حکم را اعلام فرموده اند، با يك نگاه مختصري می بینیم که دلالتش بر عدم وجوب ازاله از مکان مصلي کامل نیست. چون در روایت آمده است که در بیت و دار نجاستي واقع شده و معلوم نیست که مکان مصلي در آن موضع خاص نجاست بوده و جایی که شك داریم اصاله الطهاره جاري می شود. پس این روایت معارضه نمی کند.

صحيحه دوم علي بن جعفر

روایت بعدي صحيحه علي بن جعفر عن اخيه موسي بن جعفر عليهما السلام «سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَوَارِي يُبَلُّ قَصَبُهَا بِمَاءٍ قَذِرٍ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهِ قَالَ إِذَا يَبَسَتْ فَلَا بَأْسَ وَ رَوَاهُ الْحَمِيرِي مثله». این روایت می فرماید: از بوریاهایی که قصب آن (قصب آن چوبه اصلي ني که در زمان قدیم نیزه دارها نیزه درست می کردند) براساس تناسب آن قصب ریشه اش به آب آلوده می شود و از آب آلوده تغذیه می کند بنابراین سوال از این است که يك قصبی که در آب آلوده غرس شده و رشد کرده، این حکمش چیست؟ امام می فرماید: اگر خشك بشود اشکالي ندارد. در تنجیس روییدنیها و علف هایی که از فاضلاب تغذیه می شود بحث کردیم که این آب می رود تا بدنه که اگر خشك بشود، تا بیرون نیامده حکم ندارد و در داخل هم خشك بشود حکم ندارد و اگر رطوبتش بیرون بیاید، طبق علم همان نجاست ماء قذر است.

سوال و جواب سبزي خوردن مثل تره اگر ببینیم از آب نجس مستقیماً تغذیه کردیم اصاله الطهاره و عدم دلیل بر نجاست این روستنی مخصوص اینها دلیل نمی شود چون علم به وجود آن ماء نجس داریم و علم وجدانی اجازه به اصاله الطهاره نمی دهد و اجازه به شك و تردید هم نمی دهد و این هم خلاف مشهور است ولي مطابق احتیاط است. بنابراین این حدیث هم دلالتش کامل نبود. روایت سوم صحيحه زرارہ از امام باقر: «سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّاذِكُونَةِ يَكُونُ عَلَيْهَا الْجَنَابَةُ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهَا فِي الْمَحْمِلِ قَالَ لَا بَأْسَ». که در این روایت می بینیم مورد فقط محمل است و عدم جواز در محمل ضروري است. همین طور روایت هفتم که صحيحه علي بن جعفر بود که در آن روایت آمده بود نداوت از خمر در زمین هست «أَوْ يُصَلِّي فِيهِ قَالَ إِنْ أَصَابَ مَكَانًا غَيْرَهُ فَلْيُصَلِّ فِيهِ وَإِنْ لَمْ يُصَبْ فَلْيُصَلِّ وَ لَا بَأْسَ». پس حکم اولي را اعلام فرمود که حکم اولي این است که اگر امکان دارد در مکان پاك نماز بخوانید اگر مکان پاك ندارد که می شود عنوان ثانوي و ضرورت. پس در حقیقت این روایت که به نفع شما به اعلام شده بود، به ضرر شما اعلام شد. دسته و گروه روایات دال بر عدم وجوب ازاله از مکان مصلي دلالتش کامل نیست.

بررسی روایات دال بر لزوم طهارت محل نماز

اما در باب 29 از ابواب نجاسات وسائل الشیعه که روایات دال بر وجوب ازاله دارد، اینها روایاتی است که دلالت با تمام قاطعیت اعلام می فرماید. روایت اول صحيحه زرارہ که شیخ صدوق نقل می کند از امام باقر: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْبَوْلِ يَكُونُ عَلَى السَّطْحِ أَوْ فِي الْمَكَانِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ فَقَالَ إِذَا جَفَفَتْهُ الشَّمْسُ فَصَلَّ عَلَيْهِ فَهُوَ طَاهِرٌ».

استفاده از مفهوم شرط در روایت دال بر خشك شدن محل به نور خورشید

مفهوم شرط می گوید اگر به وسیله شمس تجفیف نشده باشد، نماز جایز نیست. مفهوم شرط هم در اصول محل اختلاف است ولي در فقه اختلافی در مفهوم شرط وجود ندارد.

روايت چهارم اين باب با تفصيل حكم را بيان مي كند موثقه عمار بن موسي الساباطي از امام صادق عليه السلام «سُئِلَ عَنِ الْمَوْضِعِ الْقَذِرِ يَكُونُ فِي الْبَيْتِ أَوْ غَيْرِهِ فَلَا تُصِيبُهُ الشَّمْسُ وَ لَكِنَّهُ قَدْ يَبَسَ الْمَوْضِعُ الْقَذِرُ قَالَ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ» موضعي كه آلوده است و به آن موضع خورشيد نتايبده تا خشك كند و لكن خودش خشك شده قال لا يصلي عليه كه حديث طولاني است و در قسمت آخر مطلب تاكيد مي كند، مي فرمايد: «وَ إِنْ أَصَابَتْهُ الشَّمْسُ وَ لَمْ يَبَسَ الْمَوْضِعُ الْقَذِرُ وَ كَانَ رَطْبًا فَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ حَتَّى يَبَسَ وَ إِنْ كَانَتْ رِجْلُكَ رَطْبَةً أَوْ جَبْهَتُكَ رَطْبَةً أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ مِنْكَ مَا يُصِيبُ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ الْقَذِرَ فَلَا تُصَلِّ عَلَى ذَلِكَ الْمَوْضِعِ حَتَّى يَبَسَ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُ الشَّمْسِ أَصَابَهُ حَتَّى يَبَسَ فَإِنَّهُ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ» كه شرح و تفصيل مي دهد و جايي براي توجيه نداريد. هميشه حمل يا توجيه جايي كه اطلاق و عموم است و جايي كه بيان تفصيل و شرح نشده و جايي كه شرح داده شده و گفته اينكه آلوده شد اگر با تابش خورشيد خشك بشود، مي توانيد نماز بخوانيد و اگر خودش خشك بشود بدون تابش خورشيد نمي توانيد نماز بخوانيد. كه شرح و تفصيل است. بنابر اين روايات دال بر وجوب ازاله داراي شرح و تفصيل عابي از توجيه است و روايات دال بر عدم وجوب ازاله دالالتش كامل نيست پس اصلا تعارضي نيست.

ادعاي اجماع بر ازاله فقط محل سجده پيشاني و رد آن

حكمي كه گفته شده است كه فقط وجوب ازاله اختصاص دارد به موضع سجود، گفته مي شود كه اجماعي است در حالي كه اجماع نيست. سيد مرتضي و فقيه حلي و فخر المحققين و علامه به قولي و شهيد هم ايماء مي گويند واجب است ازاله و براي مخالفت اجماع يك مخالفت مثل فخر المحققين و ابي صلاح حلي كافي است آن هم از قدمات و اين هم از متاخرين. تعارض هم كه اصلا صورت نگرفت

قول به احتياط در طهارت مواضع هفت گانه در سجده

پس حكم به وجوب ازاله با يك دسته از روايات دال بر وجوب ازاله با آن تصريح و قاطعيت. روايات دال بر عدم وجوب ازاله دالالتشان كامل نشد. پس حكم به وجوب ازاله نجاست از مكان مصلي مي شود خلاف مشهور اما مطابق احتياط است. جايي كه مطابق احتياط باشد و بر خلاف مشهور باشد، ضرري ندارد. با اضافه اين شرحي كه داده شد مطالب و نكات ديگري داريم از قبيل مؤيدات كه حكم به ازاله را تايب مي كند مثل اينكه روايات دال بر عدم وجوب ازاله موافق با مذهب ابوحنيفه [3] است كه شرحش براي جلسه آينده.

[1] 1. مستمسك العروه الوثقي ، جلد 1 ، صفحه 491.

[2] 2. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 246 تا 247.

[3] 2. مغني ، جلد 1 ، صفحه 64.